

طراحی چارچوب کارت امتیازی متوازن منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس مبتنی بر چارچوب توسعه پایدار

مهدی شعبانی سیجانی

کارشناسی ارشد MBA از دانشگاه صنعتی مالک اشتر، کارشناس ارشد اداره کل تشکیلات و روش‌های وزارت نفت

چکیده

تمامی کشورها و جمعیت‌ها به دنبال توسعه‌اند، و هر یک به طریقی برای رسیدن به توسعه برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین، توسعه را می‌توان پدیده‌ای انسانی قلمداد کرد که در سایه تلاش و بهره‌وری‌های بهینه انسان‌ها در یک فضای جغرافیایی شکل می‌گیرد. جهت بازنگری، اصلاح و یکپارچه‌سازی جهت‌گیری‌ها و الویت‌بندی‌های کلیه ذی‌نفعان فعال در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، با توجه به محدودیت‌ها و تلاطم‌های محیطی پیش‌رو، و همچنین، شناسایی و تبیین علمی راه‌کارهای تحقق اهداف و راهبردهای تعیین شده توسط وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با توسعه فازها و بهره‌برداری بیشینه و صیانتی از مخزن مشترک پارس جنوبی، ضرورت وجود سیستم اندازه‌گیری عملکرد کل‌نگر، متوازن و استراتژیک را جهت سنجش عملکرد سازمانی در جهت توسعه پایدار پررنگ‌تر می‌نماید. بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، در راستای اصلاح و بهبود وضع موجود و در جهت پیش‌گیری از بروز یک معضل بزرگ و فراگیر، طراحی چارچوب پیشنهادی کارت امتیازی متوازن بر مبنای چارچوب پیشنهادی توسعه پایدار منطقه، برای اندازه‌گیری عملکرد آن، جهت ترجمه چشم‌انداز و استراتژی‌ها است. این چارچوب می‌تواند به عنوان یک ابزار ارزش‌مند از طریق اطلاع‌رسانی، تولید و تبادل دانش و ایجاد هم‌گرایی در آرا و نظریات ذی‌نفعان کلیدی فرایند توسعه پایدار نقش مفید و مؤثری ایفا کند.

کلمات کلیدی: منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، کارت امتیازی متوازن، توسعه پایدار اقتصادی، توسعه پایدار نهادی، توسعه پایدار اجتماعی، توسعه پایدار زیست محیطی.

۱- مقدمه

در الگوی جامع توسعه پایدار، محیط زیست طبیعی و زیست بومها به عنوان سرمایه‌های طبیعی به دلیل حیاتی بودن آنها برای مناطق جایگاه ویژه و غیرقابل انکار و اجتناب‌ناپذیر دارند. تجربیات کشورهای پیشرفته بیانگر این موضوع است که عموماً فعالیت‌ها و طرح‌های بزرگ صنعتی حتی در چارچوب چنین مدل‌های آسیب و فشار زیاد و بعضاً جبران‌ناپذیر بر منابع محیطی و طبیعی وارد ساخته و بسیاری از گونه‌های ارزشمند موجود زنده به دلیل فشار ناشی از صنعتی شدن در معرض تهدید و حتی رو به انقراض می‌روند و منابع پایه (آب، خاک، پوشش گیاهی، جمعیت جانوری و ...) به عنوان اساسی‌ترین و ارزشمندترین منابع یک کشور دچار فرسایش، تحلیل و بعضاً به صورت غیرقابل برگشت تبدیل خواهد شد. منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در جنوب ایران از جمله مناطقی است که با اجرا و توسعه طرح‌های بزرگ صنعتی آسیب و فشار زیادی و حتی غیرقابل برگشت بر محیط زیست طبیعی و منابع پایه تحمیل کرده و جهت جلوگیری از بروز چالش‌های اساسی و بحران‌های زیست محیطی در منطقه نیازمند بازنگری، بازطراحی و بازآفرینی طرح‌ها و برنامه‌ها می‌باشد.

کشف ذخایر عظیم نفت و گاز در حوضه پارس جنوبی و سرازیر شدن ده‌ها هزار نیروی کار به این منطقه، شهرستان‌های اطراف را با توسعه بسیار سریعی روبه‌رو نموده است. شهرهای این منطقه که عمدتاً دارای جمعیت کمتر از ۳۰۰۰۰ نفر هستند اکنون با خیل زیادی از کارکنان مرتبط با صنایع نفتی روبه‌رو شده‌اند که گاهی این کارکنان چندین برابر جمعیت بومی را تشکیل می‌دهند. تجارب مشابه داخلی و خارجی نشان می‌دهد رشد جمعیتی شدید که بالطبع با تحولات اقتصادی گسترده‌ای نیز همراه است، خالی از مشکلات اجتماعی از قبیل افزایش اختلاف طبقاتی، رشد حاشیه نشینی و زاغه نشینی، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و تخریب محیط زیست نخواهد بود. در عین حال استفاده از نیروهای بومی برای انجام طرح‌های توسعه‌ای و آموزش آنها جهت استفاده به عنوان نیروی بومی متخصص می‌تواند کمک بزرگی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه باشد.

تجربیات سالیان اخیر و تصویر چشم‌انداز نه چندان رضایت بخش از منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در جنوب ایران در سال‌های آتی و افق پیش‌بینی شده ما در همه سطوح به تفکر و چالش‌های پیش‌رو وا می‌دارد. بهره‌گیری از تجربیات کشورهای در حال توسعه در سیستم‌های مدیریت منابع طبیعی در مناطق با طرح‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی و با کمک دانش بومی و منطقه‌ای و تعیین چارچوب‌هایی متناسب با شرایط آگروکلیمایی و زیست محیطی منطقه، روند منطقی و مناسبی را به ما ارایه خواهد کرد تا با بازنگری در رویکردهای مدیریتی و سیاست‌های اجرایی، استراتژی‌مان را در مدیریت پایدار از منابع محیطی و طبیعی به عنوان ارزشمندترین سرمایه یک سرزمین، تبیین، تحلیل و تعیین نماییم.

مهم‌ترین راهبرد در توسعه منطقه‌ای در دنیا راهبرد توسعه پایدار است. منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس مهم‌ترین طرحی است که در کشور ما در دست اجرا است. در چشم‌انداز این طرح طیف وسیعی از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی مرتبط با انرژی در منطقه عسلویه در حال شکل‌گیری بود، و خواهد بود که می‌تواند مضمون یک توسعه درون‌زا و برون‌نگر واقع شود و بخش مهمی از سرزمین شامل سواحل خلیج فارس و نواحی جنوبی کشور را تحت تاثیر قرار دهد. لذا شناخت توسعه پایدار، طراحی چارچوبی برای توسعه پایدار و طراحی چارچوبی برای اندازه‌گیری عملکرد متوازن آن در برنامه ریزی توسعه آینده منطقه، یکی از ارکان اساسی در مقیاس ملی منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌گردد با این دیدگاه در تحقیق حاضر محورهای مذکور به منظور کاربرد در توسعه پایدار منطقه، تحلیل و ارایه شده است.

۲- روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی مورد استفاده در این تحقیق از حیث هدف، توسعه‌ای است زیرا با توجه به چارچوب‌های موجود توسعه پایدار و اندازه‌گیری عملکرد کارت امتیازی متوازن، چارچوب‌های مورد نظر برای منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس توسعه داده شده است؛ همچنین، از حیث گردآوری داده، توصیفی است و با الهام از مطالعات کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل آنها، فرایند تحقیق دنبال می‌شود.

۳- بسط مفهومی توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. این ملاحظات شامل ایده‌های ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه‌های زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد [۱].

از اجلاس ۱۹۹۲ م. سران زمین در ریو، هنوز بسیاری در بحث و جدلند که توسعه پایدار در عمل چه معنایی دارد و چگونه می‌توان به آن دست یافت. علاوه بر این، به لحاظ ضرورت ارتباط تنگاتنگ برنامه‌های توسعه پایدار با شرایط خاص هر منطقه، توصیه و تأکیدی که در این زمینه وجود دارد، سردرگمی‌های بسیاری حاصل شده است و هر کسی از ظن خود توسعه پایدار را تفسیر می‌کند. در این قسمت، پس از ارایه تعاریفی از توسعه پایدار و مروری بر مطالعات گذشته، ایدآل‌ها و سلسله مراتب توسعه بررسی شده، سپس، چارچوبی پیشنهادی برای توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس تبیین و ترسیم می‌شود.

۳-۱- تعریف توسعه پایدار

درباره توسعه پایدار تعاریف متعددی وجود دارد که بعضی از آنها عبارتند از:

- توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان می‌باشد [۷].

- کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه که برای اولین بار این اصطلاح را ارایه داد، توسعه پایدار را به عنوان توسعه‌ای تعریف کرد که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می‌کند [۲].

در واقع توسعه پایدار بر پایه هشیاری انسان نسبت به خودش و نسبت به منابع طبیعی کره زمین استوار است و خواهان یک سبک زندگی پایدار برای همه انسان‌ها است و مخالف مصرف بیش از اندازه، اتلاف منابع و بی‌توجهی به نسل‌های آینده و قطع رابطه با گذشته است. بنابراین یک سؤال می‌تواند آن باشد که آیا سبک فعلی زندگی قابل قبول است و آیا صحیح است که این سبک از زندگی و بهره‌برداری از منابع پایه به نسل‌های بعدی تسری پیدا کند؟

پانایوتو^۱ استاد دانشگاه هاروارد از توسعه پایدار به عنوان یک مفهوم بانکی یاد می‌کند، توسعه‌ای که مثل پس‌انداز می‌ماند و ارزش خالص آن مثبت است و موجب کامیابی در آینده می‌شود [۴]. توسعه پایدار همچنین بر اهمیت وجود چشم‌انداز بلند مدت در مورد نتایج فعالیت‌های امروز و همکاری جهانی در بین کشورها برای رسیدن به راه‌حل‌های مؤثر تأکید می‌کند. این عناصر، توسعه پایدار را به صورت هدف کلیدی برای صورت‌بندی سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در قرن ۲۱ درآورده است [۱۲].

به این ترتیب، بر شالوده همه‌سویه نگری و کل‌گرایی، تعریف توسعه را می‌توان چنین دانست: روندی است فراگیر در جهت افزایش توان‌مندی‌های انسانی- اجتماعی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی، ضمن آن که نیازها پیوسته در پرتو ارزش‌های فرهنگی جامعه و بینش‌های پایداری جهان، پالایش یابند. این‌گونه توسعه، براساس گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه، نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهایشان، برآورده می‌کند و توسعه‌ای پایدار است [۵].

۳-۲- مروری بر مطالعات گذشته

با گذشت زمان، توجه محققان به دیگر ابعاد توسعه پایدار از جمله توسعه پایدار نهادی معطوف شد. محققانی مانند تامازیان و راوⁱⁱ [۱۳]، کولاسⁱⁱⁱ [۱۴]، باتاری و هامینگ^{iv} [۱۵]، تامازیان و همکاران^v [۱۶]، تلاش کرده‌اند تا با اضافه کردن متغیرهای توسعه نهادی به صورت متغیرهای توضیحی در مدل‌های تجربی خود، نشان دهند که اولاً، رابطه میان رشد اقتصادی (افزایش درآمد سرانه) و تحلیل زیست محیطی هم‌چنان پابرجاست و ثانیاً، این متغیرها با گرفتن ضرایب منفی عملاً قادرند با توسعه خود، ارتفاع منحنی زیست محیطی کوزنتس را کاهش دهند.

در حقیقت آنها معتقدند که علاوه بر رابطه دو مرحله‌ای میان رشد اقتصادی و توسعه زیست محیطی به عنوان علت و معلول، توسعه نهادی نیز قادر است با رشد خود موجبات توسعه زیست محیطی را فراهم آورد. مطالعاتی نیز در زمینه ساختار تصمیم‌گیری (دموکراتیک و یا غیردموکراتیک) و اثر آن بر توسعه زیست محیطی انجام گرفته است، که در این میان فرزین و باند^{vi} [۱۷]، منگات^{vii}

[۱۸]، و بوث^{viii} [۱۹]، اعتقاد به یک رابطه علی معلولی مثبت میان توسعه دموکراسی (به عنوان توسعه نهادی) و توسعه زیست محیطی دارند؛ در حالی که واکر^{ix} [۲۰]، معتقد است که لزوماً نمی‌توان رابطه میان دموکراسی و محیط زیست را تصور کرد.

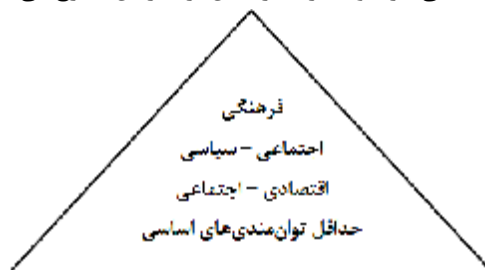
۳-۳- ایده‌آل‌ها در توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار در برگزیده ایده‌آل‌ها و اصولی است که درک، شناخت و تحقق آنها آینده‌ای روشن را نوید می‌دهد و عدم توجه و جهل نسبت به آنان، اضمحلال و نابودی محیط و بشریت را به دنبال خواهد داشت. مفروضات زیربنایی و ایده‌آل‌های توسعه پایدار عبارتند از [۲۱]:

- (۱) یکپارچگی اقتصادی- محیطی^x: تصمیمات اقتصادی باید با توجه به آثاری که بر محیط زیست می‌گذارند اتخاذ شوند.
- (۲) تعهد بین نسل‌ها^{xi}: در زمان حاضر، تصمیمات باید با توجه به نتایجی که بر محیط زیست نسل‌های آینده دارند اتخاذ شوند.
- (۳) عدالت اجتماعی^{xii}: کلیه مردم دارای حق برخورداری از محیطی هستند که بتوانند در آن محیط رشد کرده، شکوفا شوند.
- (۴) حفاظت محیطی^{xiii}: محافظت از منابع و حمایت از دنیای جانوری و گیاهی ضرورت دارد.
- (۵) کیفیت زندگی^{xiv}: تعریف گسترده‌تری از رفاه بشری باید ارایه شود، به نحوی که از محدوده رفاه اقتصادی فراتر رود.
- (۶) مشارکت^{xv}: نهادها باید مجدداً سازماندهی شوند، به نحوی که از طریق آنها امکان شنیده شدن کلیه صداها در فرایند تصمیم‌گیری فراهم آید.

۳-۴- سلسله مراتب اهداف توسعه

سلسله مراتب اهداف توسعه را می‌توان به صورت هرم شکل (۱) نشان داد که در آن قاعده هرم حداقل توان‌مندی‌های اساسی را تشکیل می‌دهد و با برآوردن آن، مجموعه بالاتری از نیازهای اقتصادی- سیاسی و در نهایت هدف کلی، شکوفایی شخصیت انسان یا توسعه همه جانبه و آزاد شدن نیروی آفرینندگی افراد و تاثیر شگرف آن بر سازمان مطرح می‌شود [۶].



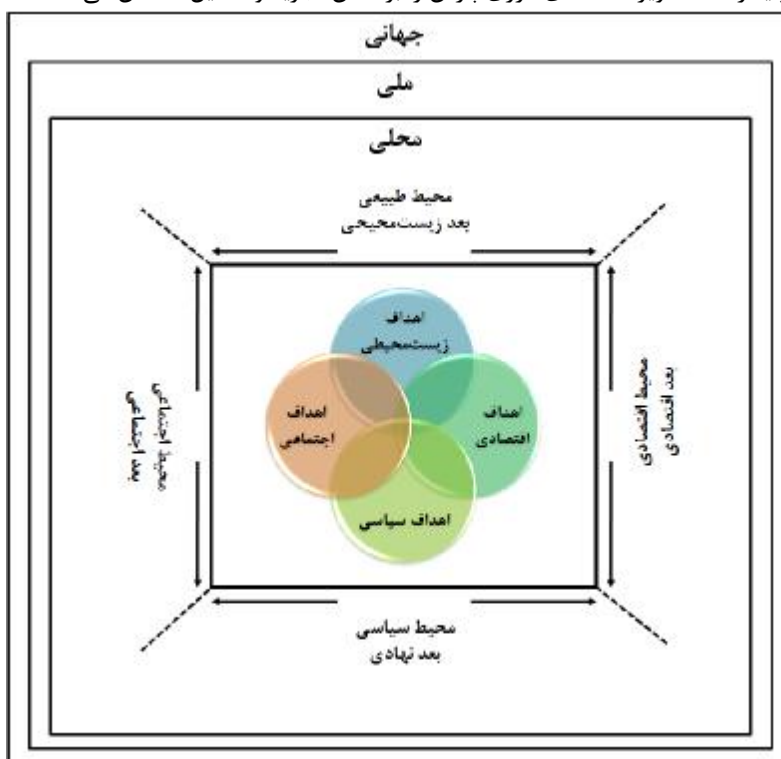
(۱) هرم سلسله مراتب اهداف توسعه [منبع: [۶] و تجزیه و تحلیل محقق]

سطح توسعه به میزان آگاهی مردم بستگی دارد، به این معنا که چنانچه سطح آگاهی مردم بالاتر باشد، سطح توسعه بالاتری به دست خواهد آمد. بنابراین، برای رسیدن به توسعه، به انسان‌هایی اقتصادی- تکنولوژیکی دارای بینش‌های اجتماعی- فرهنگی نیاز است. زیرا بهره‌وری‌های اقتصادی زمینه‌ساز رشد و ایجاد رفاهیت در سازمان می‌شود. در حالی که در کنار آن، بینش اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی انسان‌ها نیز مطرح است.

۳-۵- تبیین و ترسیم چارچوبی برای توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

توسعه پایدار به استناد تعاریف ذکر شده فرایندی است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه را در هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاست‌ها، انجام اقدام‌های لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می‌کند و در هر جایی که تلفیق امکان ندارد به ایجاد رابطه مبادله بین آنها، بررسی و هماهنگی این مبادله‌ها می‌پردازد. براساس این تعریف سه دسته هدف (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) و بر مبنای آنها سه محیط و سه بعد اصلی وجود دارد که عبارتند از: ۱- محیط‌های اقتصادی، اجتماعی؛ ۲- طبیعی و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و ۳- زیست محیطی. به همین دلیل در غالب مستندات، توسعه پایدار را بر مبنای همین سه دسته هدف تعریف و ترسیم می‌کنند. به عنوان نمونه سازمان همکاری‌های اقتصادی^{xvi} با تاکید بر این سه دسته هدف، شمای توسعه پایدار را ترسیم می‌کند.

اما ایجاد تعادل و انجام تلفیق بین اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس مستلزم داشتن چشم‌انداز بلندمدت‌تر، بررسی و تعیین تاثیرات تصمیم‌های فعلی روی نسل‌های آتی، وضع قوانین، مقررات، همکاری‌های ضرور محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، عقد قراردادهای و پیوستن به پیمان‌ها، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها و بالاخره ترتیبات نهادی و مدیریتی و ... است، و این خود محیط و بعد اصلی بعدی را مشخص می‌کند که همان محیط سیاسی و بعد سیاسی است. به همین دلیل در این تحقیق، برای توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، چهار محیط و چهار بعد ترسیم شده است. همچنین دستیابی به این موضوعات، ایجاد ساختارهای هدایتی و حمایتی و تثبیت آنها مستلزم وضع اهداف خاص سیاسی است. شاید به همین دلیل است که امروزه زمامداری خوب^{xvii} به عنوان یک مقوله پذیرفته شده در بحث توسعه پایدار مطرح می‌شود و مستلزم همکاری دولت (و واحدهای دولتی)، بخش خصوصی و نهادهای مدنی و مردم در جهت توسعه کشور است [۱۰]. به علاوه، توانایی رسیدن به وفاق در مورد نحوه رفع چالش‌ها به عواملی مانند امنیت، توافق‌های نهادی، ساختارهای مشارکتی، توزیع قدرت و اختیارات و مسوولیت‌ها و تعیین سطح مناسب احاله اختیارها و مسوولیت‌ها نیاز دارد. بنابراین نیل به توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، یک وظیفه ضمنی تغییر شکل شیوه اداره کشور، برنامه‌ریزی و اجرای آن و دستیابی به زمامداری خوب را با خود دارد. شکل (۲)، اهداف، ابعاد و محیط‌های اصلی پیشنهادی توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را براساس تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد.



شکل (۲) محیط‌ها و ابعاد پیشنهادی توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس [منبع: برداشت منطقی از مطالعات و تجزیه و تحلیل محقق]

بعد اقتصادی به رشد اقتصادی و سایر پارامترهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارایی منابع طبیعی و توزیع عادلانه منافع حداکثر شود. بعد اجتماعی به رابطه انسان و انسان، تعالی رفاه افراد، سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ‌های مختلف و برابری و رفع فقر مربوط می‌شود. بعد زیست محیطی با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی، بیولوژیکی و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه طبیعت و انسان می‌پردازد [۸]. بعد نهادی به قانون، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، نهادسازی، تنوع و تکثرگرایی، احترام به حقوق انسانی و مشارکت مؤثر مردم در تصمیم‌گیری توجه دارد و به تنظیم وضعیت و شرایط لازم برای تلفیق اهداف مختلف یا ایجاد رابطه مبادله بین آنها برای رسیدن به توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس می‌پردازد.

اولویت نسبی که به ابعاد مختلف توسعه پایدار داده می‌شود، در هر کشور، جامعه، فرهنگ و حتی در هر موقعیت و در طول زمان متفاوت است. به همین دلیل، در حالی که توسعه پایدار یک چالش جهانی است، پاسخ‌های عملی فقط می‌تواند به صورت ملی و محلی تعریف شود. رویکردهای توسعه پایدار تنوع چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نهادی را که کشورهای مختلف با آن مواجه‌اند منعکس می‌کند که از ارزش‌ها و علایق مختلف در جوامع مختلف مشتق می‌شود. به عنوان نمونه، در تایلند توسعه پایدار به عنوان توسعه کل‌گرایانه‌ای تعریف می‌شود که شش بعد دارد: اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، سیاسی، دانشی و تکنولوژیکی و تعادل فکری و روانی. در بولیوی، تأکید خاصی روی بعد سیاسی (مانند زمامداری خوب و مشارکت) و روی هویت فرهنگی و معنوی مردم بومی شده است [۷].

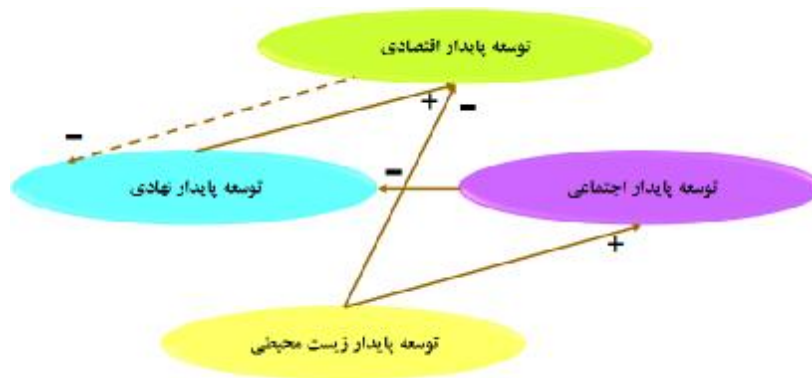
۴- طراحی چارچوب کارت امتیازی متوازن

عملکرد بخش صنعت حاصل تعادل نسبتاً پیچیده عوامل مختلف سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و حتی فرهنگی است که تنها با چیدمانی خاص از مجموعه این عوامل، تبدیل به توسعه صنعتی می‌شود. توسعه صنعتی به عنوان مرحله‌ای از توسعه اقتصادی و نه توسعه یک زیرمجموعه از بخش‌های مختلف اقتصادی از طریق دستیابی به فن‌آوری‌های پیشرفته، ارتباط با بازارهای بزرگ و سازماندهی مدرن بخش خصوصی، منجر به بهبود سطح رفاه جامعه می‌گردد.

روش کارت امتیازی متوازن مجموعه‌ای از معیارهای برآمده از استراتژی سازمان است. این معیارها به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط با سهام‌داران داخلی و کارمندان است و نتایج و محرک‌های عملکرد آن باعث دستیابی سازمان به مأموریت و اهداف استراتژیک خود می‌شود [۹]. این روش اجازه می‌دهد سازمان‌ها چشم‌انداز و استراتژی‌های خود را به وسیله یک چارچوب تفسیر کنند، که شرح استراتژی سازمان را از طریق عوامل حیاتی موفقیت و معیارهای انتخاب شده بیان می‌کند [۱۰]. در صورت اجرا و پیاده‌سازی صحیح این روش در سازمان، به طور صریح و روشن استراتژی سازمان تشریح شده و چشم‌اندازها و استراتژی‌های مبهم و غیرمعلوم، روشن و شفاف، و به معیارهای قابل‌اندازه‌گیری مورد نظر سازمان تبدیل می‌شوند [۹]. روش کارت امتیازی متوازن ضمن حفظ معیارهای پیامد^{xviii} (معیارهای مالی) معیارهای مربوط به محرک‌های عملکرد آینده یعنی معیارهای هادی^{xix} را نیز مدنظر قرار می‌دهد و در آن، معیارهای هادی و پیامد بر اساس استراتژی سازمان تعیین می‌شوند. این روش استراتژی سازمان را به اهداف کلی، معیارهای مربوط، اهداف کمی^{xx} و برنامه‌های اجرایی^{xxi} جهت تحقق آنها، ترجمه می‌کند [۳].

متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق، شاخص‌های توسعه پایدار برای مؤلفه‌های نهادی، زیست محیطی، اقتصادی، و اجتماعی هستند. با توجه به چشم‌انداز، اهداف و استراتژی‌های منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، و چارچوب توسعه پایدار ارائه شده در قسمت قبل، چارچوب پیشنهادی کارت امتیازی متوازن طراحی به صورت شکل (۳) طراحی شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، این چارچوب شامل چهار جنبه «توسعه پایدار اقتصادی»، «توسعه پایدار نهادی»، «توسعه پایدار اجتماعی»، و «توسعه پایدار زیست محیطی»، بوده که مهم‌ترین روابط علی با در نظر گرفتن پویایی میان آنها ترسیم شده است.

جنبه «توسعه پایدار اقتصادی»، می‌تواند شامل شاخص‌هایی از قبیل: سرانه تولید ناخالص داخلی، رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم (قیمت مصرف کننده)، هزینه آغاز کسب و کار، تراز حساب جاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، استفاده کنندگان از اینترنت، و ... باشد. جنبه «توسعه پایدار نهادی»، می‌تواند شامل شاخص‌هایی از قبیل: حقوق سیاسی، آزادی شهروندی، آزادی مطبوعات، انتقاد و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و نبود خشونت و تروریسم، کارایی دولت، کیفیت قانون‌گذاری، حکومت قانون، کنترل فساد اداری، و ... باشد. جنبه «توسعه پایدار اجتماعی»، می‌تواند شامل شاخص‌هایی از قبیل: ضریب جینی، هزینه‌های کل بهداشت و درمان، دسترسی به منابع آب تصفیه شده، امید به زندگی در زمان تولد، نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال، سهم زنان در کرسی‌های مجلس، هزینه کل آموزش توسط بخش عمومی، نسبت دختران به پسران در آموزش ابتدایی و متوسطه، و ... باشد. جنبه «توسعه پایدار زیست محیطی»، می‌تواند شامل شاخص‌هایی از قبیل: آسیب ناشی از دی اکسید کربن، تقلیل منابع انرژی، تقلیل مواد معدنی، تحلیل ذخایر جنگلی، آسیب ناشی از ذرات ریز آلاینده‌ها، و ... باشد [۲۲، ۱۱].



شکل (۳) چارچوب کارت امتیازی متوازن [منبع: برداشت منطقی از مطالعات و تجزیه و تحلیل محقق]

در خصوص توسعه پایدار زیست محیطی باید گفت که با وجود تاثیرگذاری علی این جنبه بر دو جنبه توسعه پایدار اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی، تغییرات در این جنبه معلول هیچ کدام از دیگر جنبه‌ها نمی‌باشد. منابع طبیعی چه در قالب ذخایر هیدروکربنی و چه در قالب زمین، آب، هوا، و غیره برای کشاورزی، مهم‌ترین منابع رشد اقتصادی منطقه است. استفاده گسترده از این منابع و استخراج بی حد و حصر منابع زیرزمینی منطقه موجب رابطه علی منفی از سمت توسعه زیست محیطی به سمت توسعه اقتصادی شده است. این به آن معنا است که در توسعه اقتصادی در منطقه، به بهای تحلیل و تخریب محیط زیست به دست می‌آید. اثر دیگر این جنبه، بر توسعه اجتماعی است که به نظر می‌رسد بیش از همه، متغیر بهداشت را تحت تاثیر قرار دهد. از این رو می‌توان دریافت که استخراج و تحلیل منابع طبیعی در کشورهای منطقه، در خلال دهه‌های گذشته به افزایش توسعه اقتصادی و کاهش توسعه اجتماعی منجر شده است.

توسعه نهادی که به معنای افزایش و تعمیق سازوکارهای دموکراتیک و بهبود حکمرانی خوب است به شدت قادر است توسعه اقتصادی را افزایش دهد. اما نکته جالب آن است که، توسعه اقتصادی در بازه‌ای زمان، تاثیری معکوس- هر چند ضعیف- بر توسعه نهادی می‌گذارد. شاید این نتیجه در نگاه اول مبهم به نظر آید، اما توجه به تجارب کشورهای منطقه به خوبی می‌تواند این ارتباط را مشخص سازد. تاریخ به خوبی نشان می‌دهد حکمرانان منطقه، افزایش درآمدهای نفتی خود را بیش و پیش از هر چیز، صرف تقویت پایه‌های قدرت خویش ساخته‌اند و با تقویت نهادهای اطلاعاتی و نظامی، اقدام به کاهش آزادی‌های مدنی، حقوق شهروندی و تقلیل آزادی بیان در کشورهایشان نموده‌اند. این امر به خوبی اثرگذاری معکوس توسعه اقتصادی بر توسعه نهادی را نشان می‌دهد.

بررسی جنبه اقتصادی توسعه پایدار در منطقه می‌تواند بسیاری از سؤالات موجود در خصوص اثرات افزایش درآمدهای نفتی را پاسخ دهد. آن چنان که مشخص است، الگوی غالب در منطقه نشان می‌دهد که افزایش قیمت نفت و سرازیری یکباره درآمدهای نفتی به سوی کشورهای منطقه، به کلی نتوانسته است موتور حرکت برای هیچ یک از جنبه‌های دیگر توسعه پایدار باشد. تنها اثر علی توسعه اقتصادی، محدود به همان اثر منفی این جنبه بر توسعه نهادی است.

آن چنان که از شکل (۳) نیز برمی‌آید، تنها کانال اثرگذاری توسعه اجتماعی، بر توسعه نهادی است. اما این رابطه نیز همانند رابطه علی توسعه اقتصادی بر توسعه نهادی منفی است. سؤالی که با دیدن این رابطه پیش می‌آید این است که آیا نباید توسعه اجتماعی که به معنای افزایش آموزش، سطح بهداشت و یا مشارکت زنان است، منجر به بهبود توسعه نهادی گردد. هرچند چارچوب پیشنهادی حاضر اثر علی منفی توسعه اجتماعی بر توسعه نهادی را نشان می‌دهد، اما مسلماً این تحقیق، شروعی برای تحقیقات بیشتر در این خصوص است. این سؤال که آیا رابطه فوق به بازه زمانی و به حوزه جغرافیایی حساس است و یا آن که آیا رابطه فوق مشروط به ساختار سیاسی و یا اقتصادی کشورها است، پرسش‌هایی هستند که باید در تحقیقات آتی به آن پاسخ داده شوند. شاید در جایگاه حاضر به توان این فرضیه را مطرح ساخت که اثرگذاری مثبت توسعه اجتماعی بر توسعه نهادی، نیازمند کانال‌های اثرگذاری مناسبی هم‌چون نهادهای دموکراتیک و یا دولت‌های برآمده از خواست مردم است که البته این مسیرهای اثرگذاری، در بیشتر کشورهای منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس موجود نیست و یا بسیار ناکارآمد عمل می‌کند.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

ذخایر گازی و طرح‌های بزرگ صنعتی در سواحل جنوبی ایران نقش و جایگاه محوری و غیرقابل انکاری در اقتصاد و توسعه کشور دارد. اجرای پروژه‌های بزرگ صنعتی در چارچوب طرح‌های جامع توسعه پایدار مبتنی بر دانایی، چشم‌انداز مطلوب و کم‌خطری را برای این مناطق ترسیم می‌نماید در غیراین‌صورت به عنوان یک فرصت کوتاه مدت و تهدید بسیار جدی و بلندمدت خواهد بود. بهره برداری از ظرفیت‌های منابع موجود در قالب پروژه‌های بزرگ صنعتی جهت ترسیم چشم‌انداز مطلوب از آینده، نیازمند و مستلزم طرح جامع توسعه پایدار و دانائی محور با رویکرد به مدل مناسب بومی و ارزیابی مستمر طرح‌ها و برنامه‌های منطقه است.

در این تحقیق، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل محقق، سعی شد تا با طراحی چارچوب پیشنهادی توسعه پایدار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (شکل (۲)) و مبنا قرار دادن آن، چارچوب پیشنهادی کارت امتیازی متوازن (شکل (۳)) جهت اندازه‌گیری عملکرد این منطقه در جهت حرکت به سمت توسعه پایدار طراحی شود. چارچوب مذکور، شامل چهار جنبه «توسعه پایدار اقتصادی»، «توسعه پایدار نهادی»، «توسعه پایدار اجتماعی»، و «توسعه پایدار زیست محیطی»، بوده که مهم‌ترین روابط علی با در نظر گرفتن پویایی میان آنها ترسیم شده است.

تجزیه و تحلیل‌ها حاکی از آن است که، توسعه اقتصادی که به بهای تخریب محیط زیست این منطقه به دست آمده، به خوبی نتوانسته است موجب بهبود مؤلفه‌های غیراقتصادی توسعه پایدار گردد. این امر نه تنها به طور کامل محقق نشده است، بلکه الگوی درآمدی کشورهای منطقه که یا مبتنی بر خام فروشی منابع نفت، گاز و معدنی و یا به طور سنتی مبتنی بر بخش کشاورزی بوده است، ساختارهای قدرت در منطقه، را از نهادهای مدنی، دموکراتیک و پاسخ‌گو دور ساخته و موجبات تحدید و تضعیف مردم‌سالاری را فراهم آورده است. در حقیقت در یک جمع‌بندی نهایی باید گفت که افزایش روزافزون استفاده از منابع طبیعی (اعم از استخراج ذخایر هیدروکربنی و معادن)، و یا گسترش فعالیت‌های آلاینده در کشورهای منطقه، در یک فرایند زنجیره‌ای موجب کاهش توسعه زیست محیطی، کاهش توسعه اجتماعی، افزایش توسعه اقتصادی، و در نهایت کاهش توسعه نهادی شده است.

در پایان پیشنهاد می‌شود، تا کارگروهی از خبرگان منطقه در حوزه‌های راهبردی تشکیل و با هدایت مشاوران مقتدر، چارچوب پیشنهادی کارت امتیازی متوازن را مورد بحث و تبادل نظر قرار داده و جهت سنجش حرکت به سمت توسعه پایدار منطقه آن را به کارگرفته، تا سطوح مناسب بسط داده، و عملیاتی نمایند. امید است تا با انجام چنین تحقیقاتی، گامی هر چند کوچک در راستای تحقق توسعه پایدار کشور عزیزمان ایران برداریم.

مراجع

- [۱] رادکلیف، م.، توسعه پایدار، ترجمه نیر-حسین، انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی- وزارت کشاورزی، ص- ۳۴، ۱۳۷۳.
- [۲] مہشوری، ش.، توسعه پایدار و مدیریت دولتی در هند- مدیریت توسعه، مجموعه نهم از انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص- ۶۱، ۱۳۷۸.
- [۳] کاپلان، اس. رابرت و نورتین پی. دیوید، سازمان استراتژی محور، ترجمه بختیاری، پرویز، چاپ سوم، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۶.
- [۴] میرآب‌زاده، پ.، "شاخص‌های پایایی"، مجله محیط زیست، جلد هفتم، شماره دوم، ۱۳۷۴.
- [۵] اطلاعات، جواد و موسوی، سیده زهرا، "تقسیمات کشوری و توسعه پایدار- مطالعه موردی ایران"، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، ص- ۷۴ - ۵۷، ۱۳۸۷.
- [۶] مطیعی لنگرودی، سید حسن، "راهبردهایی در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ص- ۲۹۲ - ۲۷۲، ۱۳۸۰.
- [۷] OECD, *The DAC guidelines, strategies for sustainable development*, P. ۱۱, ۲۰۰۱.
- [۸] UN, *Guidance in preparing national sustainable development strategies*, Revised Draft, New York, P. ۵, ۲۰۰۱.
- [۹] Paul R. Niven, *Balanced Scorecard Step-By-Step: Maximizing Performance & Maintaining Results*, Published Simultaneously In Canada, HD۵۸.۹.N۵۸, ۲۰۰۲.
- [۱۰] Jude Fernandes.K, Raja.V, Whalley.A, "Lessons from implementing the balanced scorecard in a small and medium size manufacturing organization", *Technovation* ۲۶, ۲۰۰۶.
- [۱۱] World Bank, "World Development Indicators", Available under www.worldbank.org/data, ۲۰۰۹.
- [۱۲] Kirkpatrick C.& et. al., "Development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development", Institute for Development Policy and Management, University of Manchester, ۲۰۰۱.
- [۱۳] Triad, Ah, Rao, B.B., "Do Economic, Financial and institutio Developments Matter for Environmental Degradation? Evidence fn Transitional Economies", *Energy Economics*, Vol. ۳۲, No.۱, PP. ۱۳۷-۱۴۵, ۲۰۱۰.
- [۱۴] Culas, R.J., "Deforestation and the environmental Kuznets cun institutional perspective", *Ecological Economics*, Vol. ۶۱, No. ۲-۳, PP. ۴۲۹-۴۳۷, ۲۰۰۷.
- [۱۵] Bhattarai, M., Hammig, "Institutions and the Environmental Kuznets Curve for Deforestation: A Cross Country Aysis for Latin America", *Africa and Asia World Development*, Vol. ۲۹, No. ۶, PP. ۹۹۵-۱۰۱۰, ۲۰۰۱.

- [16] Tamaaan, A, Chousa, J.P., Vadlamanai, K.C., “Does Higher Economic and Financial Development lead to Environmental Degradation: Evidence from BRIC Countries”, *Energy Policy*, Vol. 37, No. 1, PP. 216-223, 2009.
- [17] Farzin, Y H., Bond, C A, “Democracy and environmental quality”, *Journal of Development Economic*, Vol. 81, No. 2, PP. 213-230, 2006.
- [18] Menegat, R., “Participatory Democracy and Sustainable Development: integrated Urban Environmental Management in Porto Alegre”, *Brazil Environment and Urbanization*, Vol. 15, No. 2, PP. 181-206, 2002.
- [19] Booth, D.E., “Economic Democracy as an Environmental Measure”, *Ecological Economics*, Vol. 12, No. 3, PP. 220-236, 1990.
- [20] Walker, P.A., “Democracy and Environment: Congruencies and Contradictions in Southern Africa”, *Political Geography*, Vol. 18, No. 3, PP. 207-218, 1999.
- [21] Jacobs, M., “Sustainable Development: Assumptions, Contradictions, Progress”, in Lovenduski, J. and a. Stranger (eds.), *Contemporary Political Studies: Proceedings of the Annual Conference of the Political Studies Association*, London, P. 1471, 1990.
- [22] Kaufmann, D. Kraay, A. Mastruzzi, M., “Governance Matters Viii: Aggregate and individual Governance indicators”, *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 4978, 2009.

i: Panayotou

ii: Tamazian and Rao

iii: Culas

iv: Bhattarai and Hammig

v: Tamazian et al.

vi: Farzin and Bond

vii: Menegat

viii: Booth

ix: Walker

x: Economic – environment integration

xi: Intergenerational obligation

xii: Social justice

xiii: Environmental protection

xiv: Quality of life

xv: Participation

xvi: OECD: Organization for Economic Co-Operation and Development

xvii: Good governance

xviii: Lag Indicators

xix: Lead Indicators

xx: Objectives

xxi: Initiatives